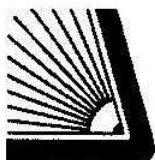


۱۲۴۹۲۲۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَلَقَدْ مَكَّنَّا رُسُلَنَا
وَمَا يَكْفُرُونَ

پیام‌ها هرگز نمی‌میرند

رسول حق شناس



انتشارات نظری

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

موضوع

بندی کنگره

رده ی دیویی

شماره کاتالوگ

: حق شناس ، رسول / ۱۳۶۲

: دمام ها هرگز نمی میرند / رسول حق شناس

: تهران: انتشارات نظری ۱۳۹۵

: ۸۰ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س. م.

: ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۹-۵۱۴-۱

: فیبا

: عنوان دیگر: مایشنامه های دمام ها هرگز نمی میرند، جلادهای پشت دیوار به بهشت نمی روند.

: نمایشنامه فارسی - قرن ۱۴

: ۱۳۹۵ د۱۶۴۱ ق / PIR۸۳۴۱

: ۸۶۲/۶۲

: ۴۳۸۵۴۳۵



انتشارات نظری

نام کتاب : دمام ها هرگز نمی میرند

نویسنده : رسول حق شناس

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۶

شمارگان : ۵۰۰

«کلیه حقوق مادی ، چاپ و نشر مخصوص و محفوظ ناشر می باشد»

دفتر مرکزی : تهران، خیابان ولی عصر (عج)، خیابان سید جمال الدین سیدآبادی (یوسف آباد)

نبش خیابان فتحی شقاقی، جنب بانک انصار، پلاک ۳۲، صبه ۲، واحد ۱۰

info@nashrenazari.com

همراه: ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵

www.nashrenazari.com

تلفن: ۸۸۱۰۲۷۷۵

قیمت : ۷۵۰۰۰ ریال

فهرست:

- سخن نویسنده ۷
- خلاصه ای فعالیت های مولف ۹
- ما ما هرگز نمی میرند ۱۷
- جلاد های پش دیوار به بهشت نمی روند ۵۳

www.ketab.ir

سخن نویسنده :

ابتدای کلام به نام خدا یعنی سلام...

بعد از چاپ و انتشار اولین اثر خود (تئاتر درمانی کاربردی) و شروع مشکلات عدیده آن از جمله تحریم و تقبیح دوستان که چرا این و چرا آن!!! و بعد از جلسه نقدی که از همه عزیزان محبت شد، حتی از اینکه جلد کتابم چقدر وحشتناک است، آلا محتوای اثر و به قول دوستی که در جایی گفت : ((من صرفاً نوشتم)) و یا به قول دوست دیگری که گفته بود : ((نورا چرا به این کارها، ای عوام نا آشنا به خطوط تئاتر)) و انواع دیگر این قبول؛ کم کم تصمیم گرفتم که ((دیگه ولش کن...)) اما خوب اگر یک اشتباه را چند بار تکرار نکنیم که دیگر انسان نیستیم، هه هه هه؟؟؟ القصه این هم از دردسر جدید! خدا عاقبت این یک را به خیر کند. باز هم همان جملات قدیمی در مقدمه کتابم را تکرار میکنم که نگویند: ((ترسیده!))

این چندپاره اوراق گفتمارم را تقدیم میدارم به آنان که سنگ راهم شدند، طرحهایم را به خاطر آنکه خاک خورده بود رد کردند یا گفتند از سر بی سوادی کار میکنم ، تامجبورشوم برای هدفم ازرویشان پرواز کنم و تقدیم

میدارم به آنانی که یار راهم شدند تا مجبور شوم برای حفظ آرامش و اعتمادشان از آسایشم بگذرم.

و تقدیم به همسرم ((سمیه کیا دربندسری)) که وقتی به کودکان ذهنی و کار تئاتر می اندیشیدم ، وبه کارم فکر میکردم، از وقت هایش به من قرض میداد تابیشتر و بهتر مبارزه کنم؛ و یاد آوری برای فرزندم که کودکان دنیا را فراموش نکند چه معلول و چه معمول و از بی مهری مسئولین ، نجات و از دعوتنامه های دیگران ذوق زده نشود . و بداند ((تَحَرُّوْا مِنْ تَشَاءٍ وَتَزَلُّوا مِنْ تَشَاءٍ)) عزت در دستان هیچ مدیر و مسئول و ناو و دبیری نیست .

رسول حق شناس